



# ابو عبد اللہ

نور الدین عبدالرحمن

کاتب

سلاطین علی ہمدانی

مقدمہ و تصحیح و استخراج احادیث از:

کاظم مدثر شاہی

استاد دانشکدہ الہیات و معارف اسلامی مشہد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# اربعین جامی

نور الدین عبدالرحمن

کاتب

سلطان علی مہمد

مقدمہ و تصحیح و استخراج احادیث از:

کاظم مدیر شاہچی

استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد



مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

۱

مشخصات:

نام کتاب:	اربعین جامی
ناظم:	نورالدین عبدالرحمن جامی
کاتب:	سلطانعلی مشهدی
تصحیح و استخراج:	کاظم مدیرشانه چی
ناشر:	مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - مشهد ، صندوق پستی ۹۱۷۳۵/۱۵۷
تیراژ:	۳۰۰۰ نسخه
تاریخ انتشار:	(چاپ اول ۱۳۶۳) چاپ دوم ۱۳۷۱
امور فنی و چاپ:	مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

حق چاپ محفوظ است

مقدمه ناشر

باسمه تعالی

آستان قدس رضوی از نخستین ماههای پیروزی انقلاب سکوتمند اسلامی ایران توجهی خاص بآثر علمی، ذخایر فرهنگی و احیای مفاخر گذشته نموده در این استماعلاوه بر کارهای عظیم فرهنگی چون توسعه تقویت کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، تأسیس بنیاد پژوهشهای اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دانشگاه امام رضا، موسسه چاپ و انتشارات و... به چاپ نشر آثار ارزشمند پرداخته است که از آن جمله است چهل حدیثیابی از کتفای دربار و کلمات قصار و حکمت آموز نبی اکرم صلی الله علیه و آله که طلیعه الهام بخش این مجموعه گرانقدر است. و حضرت امیر مومنان امام علی علیه السلام امام بهام حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام.

این سه چهل حدیث با کفایتی پسندیده چاپ و منتشر شده و مورد استقبال کم نظیر مومنان  
 و علاقه مندان خاندان نبوت رسالت قرار گرفته است. اینک موقعیتی فراهم شده که بار دیگر  
 به تجدید چاپ هر یک از این نفایس مبادرت شود. از خدای منان سألتم در ایم که توفیقی  
 نصیبان منسبت نماید تا بتوانیم کلمات قصار و حکمت آموز سایر ائمه علیهم السلام را چاپ و منتشر سازیم  
 بمنه و کرمه

## بسمه تعالی

حدیث یکی از دو مرجع اساسی احکام بلکه بیشتر علوم اسلامی است  
 که از زمان پیغمبر (ص) مورد توجه مسلمین بوده است. و در فراگیری و اهتمام  
 در حفظ آن سعی بلیغ مبذول می داشتند.

بدیهی است که تا پیغمبر خود در میان مردم بود و دسترسی به منبع  
 فیض نبوی به سهولت میسر می شد، اهمیت حدیث چنان که باید مشهود  
 نبود. ولی هنگامی که حضرتش رخت از این جهان بست، مردم حس کردند  
 نیاز بیشتری به احادیث پیغمبر (ص) دارند.

از موجبات اهتمام امت بر حفظ و ثبت احادیث، دستور اکید رسول  
 اکرم در حیات خود به ضبط وصیانت آن برای آیندگان است<sup>۱</sup> که دست  
 طلبشان از دامان تشریف به محضر نبوی کوتاه و بهره آنان از مشکوة انوار  
 نبوت، میراثی است که به روایت سلف صالح برای اخلاف باقی مانده.  
 از جمله دستوراتی که اصحاب را بر فراگیری و حفظ بیانات نبوی  
 تحریص و ترغیب نموده حدیث اربعین است که بنا به مشهور از حضرتش  
 صادر گردیده است.

۱- جمله ای از این احادیث را در کتاب شریف بحار الانوار ملاحظه می فرمایید. و ما بخشی از احادیث  
 مزبور را از این کتاب و سایر منابع مورد اعتماد، در علم الحدیث (ص ۱۲۱-۱۱۸) نقل نموده ایم.

سیوطی در جامع صغیر از پیغمبر نقل می کند که فرمود: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً ممایحتاجون فی امر دینهم، بعثه الله عالماً فقیهاً<sup>۲</sup>.

همین مضمون را ثقة الاسلام کلینی در کافی و شیخ صدوق در خصال و والد شیخ بهائی در اول وصول الاخیار و شیخ بهائی در آغاز اربعین و شیخ حرّ عاملی به طرق متعدده در وسائل الشیعه از رسول اکرم و ائمه اطهار نقل نموده اند که از آن جمله بیان حضرت صادق است که: من حفظ من شیعتنا اربعین حدیثاً بعثه الله عزّ و جلّ یوم القیامة فقیهاً عالماً ولم یعدّبه<sup>۳</sup>.

این حدیث موجب شده است که از دیر زمان، دانشمندان مسلمان کتبی به نام (اربعین، یا الاربعون حدیثاً، یا شرح اربعین) مرقوم دارند که بخشی از کتب حدیث فریقین را به خود اختصاص داده است. چنان که در فهرست کتب حدیث (مکتبه الظاهرية) دمشق از (۴۶) کتاب اربعین، و در فهرست مخطوطات (دارالکتب القومية) قاهره، جلد اول نام (۱۴) کتاب تحت عنوان (اربعین) و در جلد دوم نام (۱۵) کتاب تحت عنوان شرح اربعین، و در الذریعه نام (۷۶) اربعین را ملاحظه می فرمایید. و در عین حال موضوعات متنوعی ضمن اربعینیات، بررسی شده است: چون احکام فقهی، مسائل عرفانی و اخلاقی، فضائل و مناقب، اصول عقائد، و غیره.

در این مقال، تاریخ تدوین کتب اربعین و سیر اجمالی اربعین نویسی در بین علمای شیعه و اهل سنت و موضوعات مختلفی که در این کتب بررسی شده است به اجمال از نظر خوانندگان می گذرد.

۲- کسی که چهل حدیث برای امت من در مسائل دینی که مورد احتیاج آنان است، حفظ کند خداوند روز قیامت وی را عالم و فقیه، محشور فرماید.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۸.

نخستین کتاب اربعین:

تا آنجا که این جانب سراغ دارد، اولین کتاب اربعین، در نیمه سده سوم توسط دو نفر از عالمان حدیث، همزمان نوشته شده است.

نخست اربعین ابوالحسن طوسی، محمد بن اسلم بن سالم کندی متوفای ۲۴۲ هجری است که از ثقات محدثین خراسان بوده است<sup>۴</sup>.

دیگر اربعین ابوالحسن طوسی، مؤید بن محمد بن علی قرشی حافظ، که از ثقات و پیشوایان حدیث بوده و به سال ۲۴۲ هجری در گذشته است<sup>۵</sup>.

در اعصار بعدی اربعین نویسی متداول گشته و اربعین هائی در موضوعات مختلف، به رشته تحریر کشیده شده. تا جایی که شمار اربعین ها در سده ششم از چهل کتاب می گذرد. چنان که در تألیفات احمد بن عبدوس بن کامل سلمی سراج بغدادی متوفای ۲۹۳ هـ. به نام کتاب الأربعین من مسانید المشایخ العشرين عن اصحاب الأربعین برخورد می کنیم که حاکی از آنست که اربعین نویسی در سده سوم متداول گردیده است<sup>۶</sup>.

نیز در تألیفات عبدالله بن جعفر قشیری متوفای ۵۳۳ هـ. (کتاب الأربعین من مسانید المشایخ العشرين من الأصحاب الأربعین من العوالی) مؤید این معنی است<sup>۷</sup>.

در تألیفات شیخ منتجب الدین بن بابویه قمی صاحب کتاب (الفهرست) که به سال ۵۸۵ هـ. در گذشته نیز کتاب اربعینی با

۴- فهرست المخطوطات دارالکتب الظاهرية، بخش حدیث.

۵- همان مدرک.

۶- تاریخ التراث العربی، ج ۱ ص ۴۱۲.

۷- فهرست المخطوطات الظاهرية.

نام (الأربعون حديثاً من الأربعين عن الأربعين في فضائل اميرالمؤمنين) دیده می شود<sup>۸</sup> که حاکی از آنست که اربعین نویسی وارد مرحله فتنی گردیده و به حسب موضوعات خاصی چون فضائل علی (ع) آن هم از چهل تن از مشایخ حدیث، کتبی تدوین شده است که ما گونه های مختلف آن را تابدانجا که مناسب وضع این مقال است از نظر اهل نظر می گذرانیم. ولی پیش از برشمردن اربعینیات، مناسب است درباره حدیث اربعین که منشأ اربعین نویسی شده است از لحاظ صحت و طرق اسانید آن به اجمال گفته شود.

#### سند حدیث اربعین:

می دانیم که احادیث منقول از مصدر نبوت تا اوایل سده دوم هجرت در گنجینه صدور پا کدلان محفوظ و سینه بسینه به دیگران منتقل می گردید. رسم نقل شفاهی حدیث موجب شد که دانشمندان برای جلوگیری از دستبرد در میراث نبوی، احادیث را هنگام نقل برای دیگران، با اسناد و ذکر وسائط بازگو کنند. و حتی در این باره حدیثی به علی علیه السلام نسبت داده شده است که می فرمود: «إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثِ فَاسْنَدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ، فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَهُ، وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَلِعَلِيهِ. يَعْنِي حَدِيثَ رَأْسْتُمْ بِهِ كَسِي كَهْ أَزْوَائِهِ» و حضرت صادق (که در آغاز همین دوره می زیسته) به شاگردان خویش توصیه می فرمود که سلسله روایت را ذکر کنند. و حتی از آن جناب نقل شده که در معنی کذب مفسر می فرمود: هُوَ أَنْ يَحْدِثَكَ الرَّجُلُ

۸- الذريعة الى تصانيف الشيعة. فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی.

بالحدیث فترکه و ترویج عن غیرالذی حدتک به<sup>۹</sup>.

حال این وسائط که سلسله سند یا زنجیره ناقلین حدیث نامیده می شوند، در وثاقت و صحت نقل، مختلف است. و چه بسا کسانی که به عللی احادیثی از قول پیغمبر و امامان جعل کرده اند و به این لحاظ هر چه بر زمان، می گذشت، مشکل شناسائی و اطلاع بر حال روایت و ناقلان حدیث، بیشتر می گردید.

لذا از همان آغاز تدوین حدیث، علم معرفة الرجال (که در آن از احوال راویان، از لحاظ مراتب وثاقت و ضبط، بحث می شود) به رشته تحریر درآمد. چنان که بخاری مؤلف اولین کتاب از صحاح ششگانه حدیث اهل سنت، کتاب دیگری به نام تاریخ الرواة (که مشهور به تاریخ بخاری است) تألیف نمود<sup>۱۰</sup>. و در شیعه همزمان با تألیف کتب اربعه حدیث، کتب اربعه رجال و رجال غضائری و از آن پیش رجال ابوالعباس بن سعد و رجال احمد بن نوح سیرافی و رجال عقیقی علوی و رجال برقی و رجال ابن فضال و محمد بن حسن محاربی تدوین گردید<sup>۱۱</sup>.

و این از ویژگیهای مسلمین است که آنچه را از پیشوایانشان نقل می کنند، با وسائلی است که حالشان معلوم و وثوق به اکثر آنان محرز است. اکنون می پردازیم به سند حدیث مزبور:

پاره ای از احادیث بواسطه تداول در السنه که ناشی از کثرت نقل

۹- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲ چاپ آخوندی. مجمع البحرین، ضمن لغت فرع (یعنی کذب مفسر آنست که حدیث را از کسی بشنوی ولی از دیگری که ناقل حدیث نیست، روایت نمائی).

۱۰- تاریخ بخاری ضمن (۸) جلد در هندوستان چاپ شده است.

۱۱- کتب اربعه رجال شیعه عبارتند از: رجال کشی، معاصر کلینی (که شیخ طوسی آنرا اختصار نموده) و رجال نجاشی و رجال و فهرست شیخ طوسی. کلینی خود نیز کتابی در رجال حدیث مرقوم داشته است.

درمجامع حدیث یا تعدد و تکثر سند آنست، شهرت یافته. اعم از اینکه سلسله سند تا به معصوم (ع) متصل باشد و افراد سلسله، رجالی موثق باشند یا احیاناً زنجیره سند تا به معصوم منقطع یا مرسل و یا بعضی افراد، از وثاقت لازم برخوردار نباشند.

حدیث اربعین (من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً بُعثَ یومَ القیامة فقیهاً)<sup>۱۲</sup> در مدارک اهل سنت نیز چنین است. یعنی گرچه حدیث مشهور و سلسله سند آن مذکور است، بلکه با اسناد متعددی نقل شده است ولی تمامی سندها خالی از قدح و ضعف، نیست.

از طریق شیعه نیز به اسنادی نقل شده است که خوشبختانه بعضی اسناد، قوی است.

بنابر این کثرت نقل طرق حدیث در فریقین، می تواند جبران ضعف سند نماید. نخست بواسطه قوت نسبی بعضی از اسناد آن. و دیگر بواسطه شهرت روای حدیث.

#### گونه های حدیث اربعین در منابع فریقین:

چنانکه اشاره شد حدیث مزبور به انحاء مختلفی نقل شده است که گرچه اصل مضمون در تمامی انحاء منقول یکسان است، ولی در نقل بعضی روای، اضافاتی است که مناسب است گونه های مختلف آنرا از کتاب (الفتح الکبیر فی ضم الزیادة الی الجامع الصغیر)<sup>۱۳</sup> و کتاب کشف

۱۲- هر کس برای امت من چهل حدیث حفظ کند روز قیامت، فقیه محشور خواهد شد.

۱۳- این کتاب همان جامع صغیر سیوطی است به انضمام اضافاتی که مؤلف پس از تدوین جامع، به آن دست یافته است و در کتابی علیحده آورده است. سپس شیخ یوسف نهانی اضافات مزبور را به اصل جامع، به همان ترتیب، اضافه نموده. فتح الکبیر ضمن سه مجلد در قاهره انتشار یافته.

الخفاء علامه عجلونی، نقل کنیم:

الف: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً من السنة، كنت له شفیعاً وشهیداً یوم القیامة<sup>۱۴</sup>.

ب: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً من سنتی ادخلته یوم القیامة فی شفاعتی<sup>۱۵</sup>.

ج: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً، بُعثَ یومَ القیامة فقیهاً<sup>۱۶</sup>.

علامه عجلونی پس از نقل طرق حدیث، می نویسد: حافظ دارقطنی فرموده کلیه طرق و اسناد این حدیث، ضعیف است. آنگاه از قول حافظ ابن حجر آورده: که من طریقه های این حدیث را در جزئی جمع آوری نمودم ولی هیچ یک از طرق مزبور خالی از ضعف و علت نیست.

بیهقی نیز فرموده: متن این حدیث مشهور است ولی اسناد صحیحی ندارد.

ابن عساکر هم معتقد است که اسناد حدیث اربعین محل سخن است.

ابن حجر پس از نقل اقوال فوق گوید: حافظان حدیث متفق اند که این

حدیث گرچه به طرق متعددی نقل شده است ولی خالی از ضعف نیست<sup>۱۷</sup>.

حدیث اربعین در کتب حدیث شیعه نیز به طرق متعددی نقل شده

است که بعضی به حضرت رسالت منتهی می شود و برخی به ائمه اهل

بیت. در وسائل الشیعه اغلب این طرق، و گونه های مختلف متن حدیث بیان

۱۴- ابن عدی در الکامل بنقل از ابن عباس (الفتح الکبیر. کشف الخفاء). و صدوق در خصال از ابن عباس (خصال ص ۵۴۲) چاپ غفاری.

۱۵- ابن نجار از ابی سعید بخدری (الفتح الکبیر. کشف الخفاء).

۱۶- ابو نعیم اصفهانی از ابن عباس و از عبدالله بن مسعود. و ابن جوزی در اللعل المتناهیه از علی بن

ابطالب (ع) و از انس بن مالک و از ابی هریره (کشف الخفاء).

۱۷- کشف الخفاء.



شده است<sup>۱۸</sup>.

ومابه نقل سه روایت که مزیدی بر روایات اهل سنت دارد بسنده

می کنیم:

۱- عن جعفر بن محمد عن ابيه ان رسول الله اوصى الى امير المؤمنين علي بن ابي طالب (ع) وكان فيما اوصى به ان قال له: يا علي من حفظ علي امتي اربعين حديثاً يطلب بذلك وجه الله والدار الآخرة، حشره الله يوم القيامة مع النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقاً. (خصال ص ۵۴۲)

۲- عن الرضا عن آبائه عن النبي (ص) قال: من حفظ علي امتي اربعين حديثاً ينتفعون بها بعثه الله يوم القيامة فقيهاً عالماً<sup>۱۹</sup>.

۳- عن خنان بن سدیر، قال سمعت ابا عبدالله يقول: من حفظ عنا اربعين حديثاً من احاديثنا في الحلال والحرام بعثه الله يوم القيامة فقيهاً عالماً ولم يعد به. (خصال ص ۵۴۲)

چنان که ملاحظه می شود طبق روایت اخیر، حفظ چهل حدیث، اختصاص به حدیث نبوی ندارد، و امام (ع) نظر اصلی را متوجه نوع محفوظ فرموده است. یعنی آنچه را راوی برای امت حفاظت و ضبط می نماید، بطور کلی از اموری باشد که بدان نفع برسد و بیشتر عنایت به مسائل حلال و حرام است که بدین وسیله امت به وظائف شرعی خویش آشنا شوند و همین ویژگی است که راوی را در شمار فقهاء مبعوث می سازد. زیرا فقیه نیز

۱۸- وسائل الشیعه، چاپ حروفی، ج ۱۸ صفحات: ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۷۰.

۱۹- وسائل الشیعه. این حدیث در خصال از حضرت موسی بن جعفر نقل شده ولی بجای (ینتفعون بها)

مما یحتاجون من امر دینهم، ذکر شده.

متکفل حفظ و ابلاغ حلال و حرام به افراد امت است<sup>۲۰</sup>.

### مباحث اربعینات:

پس از رواج اربعین نویسی که در آغاز مقصور بر جمع چهل حدیث و شرح الفاظ غریب آن می گردید، کم کم کتب اربعین بصورت موضوعی (یعنی جمع احادیث وارده تحت یک عنوان) درآمد. که از آن جمله است اربعین ابی عبدالرحمن سلمی در اخلاق صوفیه<sup>۲۱</sup>. و اربعین علی بن فضل، در فضائل دعا و داعی<sup>۲۲</sup>. و اربعین ذهبی (فی صفات رب العالمین). و اربعین های ابن عساکر و ابوالفرج مقرئ و چند تن دیگر در جهاد<sup>۲۳</sup>. و اربعین هائی که نظر مؤلف در آن، جمع روایات عالی السند یا مشایخ حدیث خویش در شهرها یا از طبقه خاصی بوده است.

چون اربعین رضی الدین طبری (الاربعین التساعیة الصحاح العوالی) (نسخه ش ۱۰۳ ظاهریه).

و اربعین رهاوی که چهل حدیث از راویان چهل شهر را جمع کرده (نسخه ش ۱۰۴۰ ظاهریه).

در این میان، اربعینهای فضائل و مناقب رقم چشم گیری دارد. بو یژه در

۲۰- جمله (مما ینتفعون) یا (من امر دینهم) که در بعض روایات اربعین آمده است، دائره نقل حدیث را در زهدیات و فضائل و مناقب (که بعض اصحاب در آن به تألیف اربعین پرداخته اند) توسع بخشیده است. بخصوص که اگر نقل فضائل و مناقب موجب هدایت بامر دین و مذهب گردد.

۲۱- نسخه ای از آن در دارالکتب الظاهریه، دمشق به شماره ۶۲ حدیث موجود است.

۲۲- نسخه ش ۱۸۹، ظاهریه.

۲۳- که نسخی از آنها را در دارالکتب الظاهریه می توان دید. و شاید وجود اربعینات جهادیه در شام، به لحاظ درگیری مسلمانان با مسیحیان مهاجم در جنگهای صلیبی بوده است که کشور شام بزرگ میدان این نبردها به حساب می آمده.

بین محدثین شیعه.

چون اربعین شیخ ابوسعید، محمد بن احمد ملقب به مفید<sup>۲۴</sup> جد شیخ ابوالفتح رازی (صاحب تفسیر) که در فضائل امیرالمؤمنین جمع آورده<sup>۲۵</sup> و اربعین شیخ منتجب الدین که از چهل شیخ، چهل حدیث در فضائل علی بن ابیطالب گرد آورده و نسخه ای از آن در کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی موجود است. و اربعین شیخ سلیمان ماحوزی در فضائل علی (ع) و امامت که از طرق اهل سنت چهل حدیث را جمع و شرح نموده است. و اربعین محمد شفیع استرآبادی در فضائل ائمه از طرق اهل سنت و غیر اینها که در کتاب شریف (الذریعه) معرفی شده است.

#### اربعینهای منظوم:

یکی از گونه های هنر شاعری، بکارگیری شعر و ادب فارسی در گزارش قرآن و حدیث است که از دیر زمان شاعرانی چون ناصر خسرو در قصائد غزلی خویش و سنائی در حدیقه الحقیقه و عطار در مطاوی اشعارش و مولوی در مثنوی معنوی و به پیروی آنان شاعرانی دیگر بدین کار دست زده اند. در فضائل و مناقب اصحاب، نیز که از حضرت رسالت به صحت پیوسته، چه در تازی و چه در ادب پارسی، کاروان شعر و ادب گامهای بلندی برداشته است که نمونه های درخشانی را در شعر حسبان بن ثابت و سید اسماعیل حمیری از پیشینیان، و سید حلاوی و آرزوی وصفی حلّی از

۲۴- وی غیر از شیخ مفید، استاد سید مرتضی و رضی است.

۲۵- جای نسخه های آن را در الذریعه، ملاحظه فرمائید.

متأخران (درلسان تازی) و فرازهایی را در شعر ابن حسام و قاتنی و ملک الشعراء صبوری و مجمر... (در زبان فارسی) می بینیم.

گونه ای از این هنر، ترجمه کلمات قصار رسول اکرم و علی مرتضی است که به صورت صد کلمه یا چهل حدیث به نظم شیوای پارسی در آمده که از آن جمله است اربعین جامی که چهل حدیث کوتاه از کلمات در بار پیغمبر را ضمن چهل دو بیتی به نظم آورده. وهم او صد کلمه از لثالی منثور سخنان مولی را به سلک نظم در آورده است<sup>۲۶</sup>.

دیگر از کسانی که موفق به نظم احادیث قصار شده اند میر حسین هروی است که چهل کلمه از سخنان مولای متقیان را گزین نموده و هر کلمه ای را به دو بیت منظوم ساخته است<sup>۲۷</sup>.

محمّل است این میرحسین، همان امیرحسین حسینی هروی که به میرحسینی یا حسینی سادات، معروف است و از پیروان بهاء الدین مولتانی و شهاب الدین سهروردی است، بوده باشد، مشارالیه بیشتر ایام خود را در هرات می گذرانده و به ارشاد مردم می پرداخت و محله ای در هرات هنوز باقی است که به نام میرحسینی سادات معروف است.

و اگر ناظم همین امیرحسین باشد بی گمان جامی در نظم اربعین خویش از او پیروی نموده است.

ولی احتمال دارد که وی میرحسین بن یوسف معروف به سیف الدین

۲۶- صد کلمه جامی توسط علی اصغر اصفهانی ضمن مجموعه (نصاب و چهل حدیث و صد کلمه) به سال ۱۳۰۸ هـ. در تهران انتشار یافته است (الذریعه، ج ۱۵ ص ۳۰).

۲۷- نسخه ای از این چهل حدیث در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که به خط شاه محمود نیشابوری در ۹۵۲ کتابت شده است. نسخه ای نیز به خط همین شاه محمود در تملک شادروان مهدی بیانی بوده است (رجوع فرمائید به فهرست نسخه های خطی فارسی احمد منزوی).

هروی باشد که در معرفی آثارش به نظم چهل حدیث منظوم از مولی (ع) برخوردار می‌کنیم.<sup>۲۸</sup>

دیگر از کسانی که به نظم حدیث دست زده‌اند عادل بن علی (مرتّب و منقّح کننده ترجمان القرآن میر سید شریف است) که سه اربعین به نظم آورده است و محتمل است اربعین منظوم مطبوع که با این کلمه (قال التّبی انما الأعمال بالتّیات) شروع می‌شود از او باشد. نسخه‌ای از این چهل حدیث در کتابخانه مرکزی دانشگاه است که تاریخهای ۹۰۹-۹۱۲ هـ. دارد و حدیث یاد شده را با این بیت ترجمه کرده است:

اصلی اعمال نیت نیکو است نیت نیک دار، ای مهتر<sup>۲۹</sup>  
 اربعین یا (چهل حدیث) دیگری نیز در دانشگاه تهران است که چون تاریخ کتابت نسخه را ۹۰۹-۹۱۲ نوشته‌اند و با نسخه پیشین که از عادل بن علی یاد شد یکزمان کتابت شده است بظن قوی، اربعین دوم عادل بن علی باشد که به این حدیث نبوی (انّ الله خلق آدم علی صورته) و به این بیت (بدرستی که خلق کرد خدا = آدمی را به صورت زیبا) ترجمه شده است، آغاز می‌گردد.

اربعین سوم عادل بن علی نیز به همان قرینه (یعنی تاریخ سال ۹۰۹-۹۱۲) که یاد شد در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است که به حدیث نبوی (آنا مدیته العِلْم و علی بابها) و به ترجمه: (گفت پیغمبر خدا که منم شهر علم و علی مراورا در) شروع می‌شود.<sup>۳۰</sup>

۲۸- فهرست نسخه‌های خطی فارسی احمد منزوی ج ۲/۲ ص ۱۵۹۷. در همین کتاب، نسخه‌های دیگر این چهل حدیث را ملاحظه فرمایید.  
 ۳۰- فهرست نسخه‌های خطی فارسی.

دیگر از اربعینهای منظوم: اربعین ابن همام شیرازی است (نسخه دانشگاه تهران به خط نستعلیق مورخ ۹۰۳ به نقل منزوی در فهرست نسخه‌های فارسی).

دیگر چهل حدیث منظومی است از احادیث نبوی که به این حدیث آغاز می‌شود: مَنْ حَفِظَ مِنْ اُمَّتِی اَرْبَعِینَ حَدِیثًا... (هر که او چهل حدیث یاد گرفت. از احادیث مهتر عالم)<sup>۳۱</sup>.

از کسانی که صد کلمه یعنی صد حدیث کوتاه را به نظم آورده‌اند یکی همان عادل بن علی است که گفتیم چهار اربعین را نیز به نظم آورده. نسخه‌ای از صد کلمه عادل در کتابخانه ملی ملک (۲۳۹۸/۱۶) مورخ ۹۰۹-۹۱۲ هـ. موجود است.<sup>۳۲</sup>

نیز مولانا عبدالباقی خطاط است که او نیز صد کلمه از سخنان کوتاه مولانا (ع) را به نظم در آورده است. و نسخه دستخط شاعر که در اوج جمال و زیبایی است در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

#### نسخ اربعین جامی:

اربعین جامی به واسطه شهرت و مقبولیت مؤلف<sup>۳۳</sup> و نیز به واسطه همزمانی با پادشاه و وزیری هنرپرور چون سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوائی که هر دو از ارادتمندان جامی بوده‌اند و نیز بواسطه اقامتش در هرات

۳۱- فهرست نسخه‌های خطی فارسی احمد منزوی ج ۴ نقل از فهرست موزه بریتانیا، تألیف ربو، ج ۲، ص ۸۰۷.  
 ۳۲- فهرست نسخه‌های خطی فارسی منزوی.

۳۳- که حتی سلطان محمد فاتح پادشاه عظیم عثمانی و جهانشاه قره قویلو درخواست نزول وی را به دیار خویش داشته‌اند (رجوع کنید به تاریخ ادبیات دکتر صفا) و سلطان بایزید فرزند سلطان سلیم قانونی نسخه‌ای از چهل حدیث را به خط زیبای خویش نوشته است (رجوع کنید به فهرست نسخه‌های خطی منزوی).

که در آن زمان مرکز تجمع هنرمندان و مخصوصاً خوش نو یسان گردیده بود، در زمان مؤلف به پیرایه خط زیبای هنرمندان جمال بقا یافته است که آقای احمد منزوی سی و سه نسخه از آن را در فهرست نسخه های خطی فارسی (ص ۱۵۹۶) معرفی کرده است که از آن جمله:

نسخه ای است به خط زیبای بایزید فرزند سلطان سلیم، پادشاه عثمانی. و نسخه ای است به خط نستعلیق بسیار عالی شاه محمود نیشابوری و نسخه ای به خط میر علی هروی (که هر دو در کتابخانه سلطنتی تهران موجود است).

و نسخه ای به خط عبدالرشید دیلمی (در کتابخانه سلطنتی).

و بالأخره نسخه ای (که از نظر می گذرانید) به خط سلطانعلی مشهدی در آستان قدس رضوی.

### جامی:

نورالدین عبدالرحمن جامی به سال ۸۱۷ هجری در خرگرد جام در خراسان تولد یافت. خود گوید:

بسال هشتصد و هفده ز هجرت نبوی

بدین حضیض هوان سست کرده ام پروبال

وهم او در باره زادگاه خویش گوید:

مولدم جام ورشحه قلمم جرعه جام شیخ الاسلامی است

لاجرم در جریده اشعار بدو معنی تخلص جامی است

نسبش به محمد بن حسن شیبانی که از اصحاب ابوحنیفه واز

مجتهدین بزرگ حنفی است می رسد.

پدرش نظام الدین احمد بن شمس الدین محمد دشتی است. و دشت محله ای در اصفهان است که معلوم نیست به چه سبب به جام انتقال یافته است. جامی مقدمات را در جام نزد پدر آموخت و بعد به همراهی وی به هرات و سپس به سمرقند رفت و در آن دیار که مرکز علوم اسلامی و ادبیات فارسی بود به کسب علم و ادب پرداخت. و در ریاضت به طریقه نقشبندیه که مؤسس آن بهاء الدین نقشبند بود به سیر و سلوک پرداخت و رشته ارادت جانشین بهاء الدین، یعنی خواجه عبدالله احرار را بر گردن نهاد. ضمناً به خدمت سعدالدین کاشغری مشرف شد و تا وی زنده بود در سلک مریدان وی منتظم بود و پس از استاد خلافت این طریقت بدو تعلق گرفت<sup>۳۴</sup>.

جامی در شصت سالگی (به سال ۸۷۷) به قصد زیارت خانه خدا و حج بیت الله الحرام راهی سفر شد و پس از انجام فریضه از راه دمشق به بغداد و از آنجا به تبریز وارد شد و در سال ۸۷۸ به هرات مراجعت نمود.

جامی قسمتی از زمان شاهرخ و تمام دوره ابوالقاسم بابر و دوران ابوسعید گورکان را درک کرده و با سلطان یعقوب آق قویونلو (-۸۹۶ هـ.) و جهانشاه قره قویونلو (-۸۷۲ هـ.) و سلطان محمد فاتح (-۸۸۵ هـ.) معاصر بوده است و سلطان محمد را در قصائد خویش مدح گفته<sup>۳۵</sup>.

ولی به روایت دولتشاه که معاصر جامی بوده است، در اواخر عمر پیشه شاعری را ترک کرده و از آن ببعد جز بندرت شعری نسرود. و دل به تحقیق مسائل دینی سپرد. خود گوید:

جامی لب گفتگو فرو بند دگر دل شیفته خیال مپسند دگر

۳۴- ریحانة الادب، تاریخ ادبیات دکتر صفا، ریاض العارفین.

۳۵- دائرة المعارف مصاحب.

در شعر مده عمر گرانمایه بباد انگار سیه شد ورقی چند دگر  
جامی عمر دراز خود را (حدود هشتاد سال) بیشتر در هرات گذرانید  
و علاوه بر افادات شفاهی و ارشاد مریدان موفق به تألیف کتب ارزشمندی  
در علوم مختلف گردید که از آن جمله است:

۱- نفحات الأُنس که اصل آن طبقات الصوفیة محمد بن حسین سلمی  
نیشابوری (-۴۱۲ هـ.) بوده است که خواجه عبدالله انصاری آنرا از عربی به  
زبان هروی تقریر و شرح نموده است و سپس جامی به خواش امیرعلیشیر  
نوائی تحریر خواجه را به فارسی برگردانیده. نفحات، شرح حال ۶۱۴ تن از  
عرفا و مشایخ است.

دیگر از تألیفات جامی است: لویح در معرفة الله بمذاق عرفا<sup>۳۶</sup>،  
و لوامع در شرح قصیده خمربه ابن فارض مصری در عرفان و شواهد النبوه  
در باره حضرت رسالت (ص) و اشعة اللمعات (در شرح لمعات عراقی)  
و بهارستان (که به تقلید از گلستان در حکایات ادبی و عرفانی است) و شرح  
کافیة ابن حاجب در نحو (که از کتب درسی حوزه های علمیه بوده است).  
جامی در شعر مقام والائی داشته چنان که در غزل وی را مؤسس  
سبک هندی می شمارند<sup>۳۷</sup> و قصائدش نیز در انسجام و متانت در شمار بهترین  
قصائد شعرای پارسی زبان است. در مثنوی نیز در رده نخست مثنوی-  
سرایان محسوب می شود و هفت اورنگ وی<sup>۳۸</sup> شاهد این مدعا است.

۳۶- این رساله ای است سمی به لویح در بیان معارف و معانی که بر الواح اسرار و ارواح ارباب عرفان... لایح  
گشته. این کتاب توسط استاد یان ریچارد با برگردان آن بزبان فرانسوی در پاریس چاپ شده است.

۳۷- تاریخ ادبیات صفا.

۳۸- شامل هفت مثنوی است به نام: سلسله الذهب، سلامان و ایسال، تحفة الاحرار، سجة الابرار، یوسف و  
زلیخا، لیلی و مجنون، خرد نامه اسکندری.

چنان که پس از وی شاعرانی چون زلالی خوانساری و درویش اشرف  
به اقتباس از وی هفت اورنگ ساخته اند.

جامی سرانجام به سال ۸۹۸ هجری به هنگام اذان صبح در هرات  
بدرود حیات گفت. و سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیرنوائی و مردم هرات  
از وضع و شریف جنازه وی را از منزلش تشییع و به عیدگاه هرات برده،  
پیش روی مرادش سعدالدین کاشغری دفن نمودند<sup>۳۹</sup>. و بدین گونه دفتر  
حیات بزرگترین استاد سخن بعد از عهد حافظ و سعدی<sup>۴۰</sup> در هم نوردید.  
در باره تاریخ وفات وی گفته اند: و من دخله کان آمنا.

#### سلطانعلی مشهدی<sup>۴۱</sup>

نظام الدین سلطانعلی مشهدی به سال ۸۴۱ هـ. در مشهد طوس چشم به  
جهان گشود. و در کودکی پدر را از دست داد و تحت عنایت مادری پارسا در  
زادگاه خود به کسب کمال پرداخت. از اوان طفولیت به خط نویسی علاقه  
داشت و در این مهم از هیچ گونه کوشش دریغ نوزید. چنان که در خوش-  
نویسی شهرت یافت.

به سال ۸۶۵ هـ. سلطان ابوسعید گورگانی او را به هرات دعوت نمود.  
وی در آن دیار ضمن ملازمت سلطان، به تکمیل خط پرداخت چنان که وی  
را علاوه بر لقب تشریفی کاتب السلطان به القاب: قیلة الکتاب و زبده الکتاب  
و سلطان الخطاطین ستوده اند.

۳۹- مقصد الاقبال، تصحیح استاد مایل هروی (ص ۱۰۱).

۴۰- تاریخ ادبیات صفا.

۴۱- کاتب نسخه حاضر.

سلطانعلی پس از درگذشت ابوسعید، در دربار سلطان حسین میرزای بایقرا به کتابت مشغول شد و تا پایان روزگار بایقرا یعنی حدود چهل سال ملازم و کاتب آن امیر و مورد توجه وی بود.

قبلة الکتاب پس از مرگ بایقرا روی دل به قبله هفتم و ذیل عنایت امام هشتم آورد و در مشهد مقدس رخت اقامت افکند و بقیه عمر را در این بلدة طیبه بسر برد تا به سن ۸۵ سالگی به سال ۹۲۶ هـ. درگذشت و درجوار مرقد امام (ع) دفن شد.

سلطانعلی در خط نستعلیق شاگرد اظهر و به قولی شاگرد حافظ محمد که از شاگردان اظهر است، بوده. و معروفترین شاگردان او عبارتند از سلطان محمدنور و سلطان محمدخندان و سلطان محمدابریشمی و علاءالدین محمد<sup>۴۲</sup>. سلطانعلی ضمن اقامت در هرات و در ارتباط با سلطان حسین بایقرا با جامی که از مقربان درگاه سلطنت بود آشنا شد و به وی ارادت پیدا کرد. و همین علاقه موجب گردید که بسیاری از آثار منظوم و منثور جامی را به زیور خط خویش آراست<sup>۴۳</sup> که از آن جمله چهل حدیث جامی است که نسخه‌های متعددی از آن به خط سلطانعلی، زینت بخش کتابخانه‌هاست<sup>۴۴</sup> که از آنها نسخه کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی یعنی نسخه مشاهده است که اداره انتشارات آستان قدس بر آن شد که با چاپ آن ضمن نشر نمونه‌ای از احادیث نبویه گوشه‌ای از آثار اساتید هنر اسلامی را در اختیار شیفتگان هنر قرار دهد.

۴۲- فرهنگ معین.

۴۳- احوال و آثار خوش نویسان مهدی بیانی.

۴۴- رجوع کنید به فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، ج ۴ ص ۲۷۵۷.

## اربعین جامی

صحیح‌ترین حدیثی که راویان مجالس دین و محدثان مدارس یقین املاکنند، حمد دانائست که کلمات تامه جامعه بزبان معجز بیان حبیب خود گذرانیده و آنرا تالی کلام کامل و خطاب شامل خود گردانیده و بنقل رُواة ثقة بعد ثقة، بگوش محرومان از سعادت صحبت<sup>۱</sup> رسانیده و بنور علم<sup>۲</sup>، و عمل بموجب علم از ظلمات ضلالتشان رهانیده. صلی الله علیه وعلی آله و اصحابه نقلة علومه و حفظه آدابه.

این چهل کلمه است از آن کلمات که سهولت فهم<sup>۳</sup> را بنظم فارسی ترجمه کرده می‌آید. امیدواری<sup>۴</sup> که ناظم مترجم، امروز در شرط من حفظ علی امتی آربعین حدیثاً یتتفعون به، داخل شده و فردا بسعادت جزاء: بعتنه الله یوم القیامة فقیها عالماً، واصل. و من الله یكون الكون والعصمة والعون والتوفیق<sup>۵</sup>.

۱- صحبت وی (خ د)

۲- علم به آن (خ د)

۳- و حفظ (خ د)

۴- امیدواری آنرا (خ د)

۵- نسخه ما کلمه (شود) را ندارد

۶- یكون العصمة والعون والتوفیق (خ د)

## ۱- لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ

هر کسی را لقب مکن مؤمن  
تا نخواهد برادر خود را  
گرچه از سعی جان و تن کاهد  
آنچه از بهر خویشتن خواهد

## ۲- مَنْ أَعْطَى اللَّهَ وَمَنَعَ لِلَّهِ وَأَحَبَّ لِلَّهِ وَأَبْغَضَ لِلَّهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ إيمَانَهُ

هر که در حب و بغض و منع و عطا  
نفسد ایمان خویش را یابد  
نبودش دل یغیر حق مایل  
بر محگ قبول حق کامل

## ۳- الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ

مسلم آنکس بود بقول رسول  
که بهر جا بود مسلمانی  
گرچه عامی بود و گر عالم  
باشد از قول و فعل او سالم

## ۴- خَصْلَتَانِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي مُؤْمِنٍ الْبُخْلُ وَسُوءُ الْخُلُقِ

بذل کن مال و خوی نیکوورز  
راه ایمان اگر همی پویی  
ز آنکه در هیچ مؤمنی باهم  
نشود جمع بخل و بدخوئی

## ۵- يَشِيبُ ابْنُ آدَمَ وَيَشُبُّ فِيهِ خَصْلَتَانِ الْجِرْصُ وَطُولُ الْأَمَلِ

آدمی راز پیری افزایش  
لک دروی جوان شود دو صفت  
هر زمان در بنای عمر خلل  
حرص بر جمع مال و طول امل

۱- فی شهاب الاخبار عن انس

۲- الفتح الكبير عن ابی امامه.

۳- فی الشهاب عن عبدالله بن عمر

۴- الترمذی والطیالسی عن ابی سعید الخدری (کشف الخفاء)

۵- الترمذی وابوداود عن ابی هريره (کشف الخفاء) یشب من الشباب

## ۶- مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ

بتو نعمت زد دست هر که رسد  
کی بشکر خدا قیام کند  
نه بمیدان شکر کوبی پای  
تارک شکر بندگان خدای

## ۷- مَنْ لَا يَرْحِمُ النَّاسَ لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ

رحم کن رحم، زانکه بر رخ تو  
تا تو بر دیگران نبخشایی  
در رحمت جز از تو نگشاید  
ارحم الراحمین نبخشاید

## ۸- الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ وَمَلْعُونُ مَا فِيهَا إِلَّا ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى

هدف لعنت خدای آمد  
غیر ذکر خدا که صاحب ذکر  
دُنپئی و هر چه هست در دنیی  
در دو عالم بر حمتست اولی

## ۹- لُعِنَ عَبْدُ الدِّينَارِ لُعِنَ عَبْدُ الدَّرْهِمِ

گرچه هست آفتاب رحمت حق  
باد از آن دور بنده دینار  
شامل ذره ذره عالم  
باد از آن دور بنده درهم

## ۱۰- دُمٌ عَلَى الظَّهَارَةِ يُوسَعُ عَلَيْكَ الرِّزْقُ

ای کز آلودگی تو شب و روز  
بی طهارت مباش تا بر تو  
فاقه و فقر تو زیاده شود  
روزی تنگ تو گشاده شود

۶- فی الشهاب عن ابی هريرة بلفظ: لا يشكر الله من لا يشكر الناس.

۷- الترمذی وابوداود عن ابی هريرة (کشف الخفاء)

۸- الترمذی عن ابی هريرة (کشف الخفاء)

۹- الترمذی عن ابی هريرة (الفتح الكبير) ۱۰- بحار الأنوار ج ۷۶، ص ۳۱۹.

## ۱۱- لَا يَلْدَعُ الْمُؤْمِنُ مِنْ خُجْرٍ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ

دگر از وی مدار چشم وفا  
هر که شد با تو در جفا گستاخ  
زانکه هرگز دوباره مؤمن را  
نگزد مار از یکی سوراخ

## ۱۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَلْعِدَّةُ دِينٍ

مرد راهر چه بگذرد بزبان  
عیب باشد و رای آن کردن  
وعده در ذمه کرم قرض است  
فرض باشد ادای آن کردن

## ۱۳- أَلْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

ای شده محرم مجالس راز  
راز هر مجلسی امانت تست  
مکن افشای راز مجلس کس  
زانکه افشای آن خیانت تست

## ۱۴- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَلْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ، صَدَقَ

هر که در مشورت امین تو شد  
گرچه باشد امان روی زمین  
چون نهان دارد آنچه مصلحت است  
خائنش خوان بحکم دین نه امین

## ۱۵- السَّمَاخُ رَبَاحٌ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

سود اگر بایدت زمایه خویش  
دست بخشش گشا و بخشایش

۱۱- فی الشهاب عن ابن عمر. يَلْدَعُ مِنَ اللَّذَعِ وَهُوَ لَسَعُ الْعَقْرَبِ (من المنجد)

۱۲- فی الشهاب عن علی (ع). العِدَّةُ: الْوَعْدَةُ (المنجد)

۱۳- فی الشهاب عن جابر بن عبد الله

۱۴- فی الشهاب عن ابی هريرة

۱۵- فی الشهاب عن عبد الله بن عمر. السَّمَاخُ: بِكسْرِ السِّينِ وَفَتْحِهَا مُصْدَرٌ بِمَعْنَى السَّمَاخَةِ أَيْ الْجُودِ (من المنجد)

سودت اکنون ستایش وفردا  
در جوار خدای آسایش

## ۱۶- أَلدِّينُ شَيْنُ الدِّينِ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

نکشد بهر مال دنیسی رنج  
هر که خواهد کمال بهره دین  
جانکاهد جمال چهره دین  
تانه دین مکن بناخن دین

## ۱۷- أَلْقِنَاعَةُ مَا لَا يَتَنَفَّدُ، صَدَقَ

صاحب حرص را زخوان کرم  
فیض احسان نمیرسد هرگز  
بقناعت گرای کان مالیست  
که بپایان نمیرسد هرگز

## ۱۸- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الصَّبْحَةُ تَمْتَعُ الرِّزْقَ

ای کمر بسته کسب روزی را  
صبح خیزی دلیل فیروزیست  
بهر خواب صباح چشم مبند  
زانکه آن خواب مانع روزیست

## ۱۹- كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ، صَدَقَ

مرد را بس همین گنه که قدم  
ازمقرّ امان نهد بیرون  
هر چه آید درون ز روزن گوش  
از ممرّ زبان دهد بیرون

۱۶- فی الشهاب عن معاذ بن جبل بلفظ: الدِّينُ، شَيْنُ الدِّينِ.

۱۷- فی الشهاب عن انس

۱۸- فی الشهاب عن عثمان بن عفان. ورواه عبدالله احمد فی زوائده، وابونعیم عن عثمان (كشف الخفاء).

والصبحة، بفتح الصاد: نوم الغداة (المنجد)

۱۹- فی الشهاب عن حفص بن عامر



## ۲۰- قال رسول الله: أَسْعِدُ مَنْ وَعَظَ بغيره

نیکبخت آنکسی که می نبرد  
سختی روزگار نادیده  
رشک بر نیک بختی دگران  
پند گیرد ز سختی دگران

## ۲۱- آفَةُ السَّمَاحِ أَلْمَنُ، صدق رسول الله

کی به نعمت کسی شود دل گرم  
غیر باد خزان منت نیست  
چون ز منت کنندم سردی  
آفت روضه جوانمردی

## ۲۲- قال رسول الله: كَفَى بِالْمَوْتِ وَاِعْظًا

چند گیری بمجلس واعظ  
وعظ تو بس بمرگ همسایه  
پای منبری گرفتن پند  
نعره نوحه گرببانک بلند

## ۲۳- خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ

ای که پرسی که بهترین کس کیست  
بهترین کس، کسی بود که بخلق  
گویم از قول بهترین کسان  
بیش باشد ز خلق نفع رسان

## ۲۴- إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّهْلَ الطَّلُقَ، صدق

تا خدا دوست گیردت با خلق  
یکدل و یکزبان و یکرو باش

۲۰- فی الشهاب عن عائشة

۲۱- فی الشهاب عن علی

۲۲- فی الشهاب عن عمار بن یاسر. بزيادة: وكفى باليقين غنى، وكفى بالعبادة شغلاً.

۲۳- فی الشهاب عن جابر بن عبد الله

۲۴- فی الشهاب عن ابی هريرة. رجل طلق الیدين: سخی. ورجل طلق الوجه: ضاحكه (المنجد)

شاد طبع وشگفته خاطرزی  
نرم خوی وگشاده ابرو باش

## ۲۵- قال رسول الله صَلَّى الله عليه وسلم تَهَادُّوا تَحَابُّوا

دوستی مغزویوست دشمنی است  
بهدایا کنید داد و ستد  
تاکی از مغز سوی پوست شوید  
تا بهم زان وسیله دوست شوید

## ۲۶- أَظْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حَسَنِ الْوُجُوهِ

بردر خوب روی منزل گیر  
تا از آن پیشتر که حاجت تو  
چون پی حاجتی برون آئی  
دهد، از دیدنش بیاسائی

## ۲۷- رُزْغَبًا تَزْدَدُ حُبًّا، صدق رسول الله

دیدن دوست دوست را گه گه  
زاتفاق دوام صحبت شان  
چهره دوستی بیاراید  
شوق کاهد، ملالت افزایش

## ۲۸- طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ غُيُوبِ النَّاسِ

ای خوش آنکو بعیب بینی خویش  
عیب او پیش دیده دل او  
پیشوای هنروران گردد  
پرده عیب دیگران گردد

۲۵- فی الشهاب عن عبد الله بن عمرو بن العاص. تهادوا، امر من تهادى تهادياً التوم: اهدى بعضهم الى

بعض.

۲۶- فی الشهاب عن عبد الله بن عمر

۲۷- فی الشهاب عن ابی هريرة. غَبَّ غَيْبًا وَغَبًّا: جاء زائراً بعد ايام. وغَبَّ عنه اياه يوماً وتركه آخر (المنجد)

۲۸- فی الشهاب عن انس بن مالك

## ۲۹- الْغِنَى: الْيَأْسُ مِمَّا فِي آيَدِي النَّاسِ

گر دلبت را توانگری باید که توانگر دلی نکوهنریست  
باز کش دستِ همت از چیزی که بدست تصرف دگریست

## ۳۰- مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَغْنِيهِ

تا شود درجهانِ علم و عمل شاهد دین تو جمال افزای  
زانچه درخور نیفتد باز ایست زانچه لایق نباشدت بازای

## ۳۱- أَلَجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأَمْهَاتِ

سر ز مادر مکش که تاج شرف گردی از راه مادران باشد  
خاک شوزیر پای او که بهشت در قدمگاه مادران باشد

## ۳۲- أَلْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمَنْطِقِ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

هر که شد مبتلا به پُرگویی به بلائی عجب گرفتار است  
هر بلائی که میرسد بکسان بیشتر از ممرِ گفتار است

## ۳۳- أَلنَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ، صَدَقَ

دیدن زلف و خال نامحرم دانه کید و دام تلبیس است

۲۹- فی الشهاب عن عبدالله عمر

۳۰- فی الشهاب عن ابی هريرة

۳۱- فی الشهاب عن انس

۳۲- فی الشهاب عن علی (ع) وحذیفة بن یمان

۳۳- فی الشهاب عن حذیفة

هر نظرنا و کیست زهرآلود که زشت و کمانِ ابلیس است

## ۳۴- لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصَّرْعَةِ، إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ

پهلوان نیست آنکه در کشتی پهلوانی دگر بیندازد  
پهلوان آن بود که گاه غضب نفسِ اماره را زبون سازد

## ۳۵- لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ، إِنَّمَا الْغِنَى عَنِ النَّفْسِ

نه توانگر کسی بود که بمال کار پرداز و چاره ساز بود  
آن بود کز شهود فضل خدای از زرومال بی نیاز بود

## ۳۶- وَمِنْ كَلَامِهِ صَلَوَاتُ الرَّحْمَنِ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلْحَزْمُ سُوءُ الظَّنِّ

حزم مرد آن بود که درهمه وقت درحق خلق بد گمان باشد  
درهمه کار احتیاط کند تا زهرکید در امان باشد

## ۳۷- وَمِنْ كَلَامِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلْعِلْمُ لَا يَحِلُّ مَنَعُهُ

ای گرانمایه مرد دانش ور که ترا علم دین بود معلوم  
مستعد را از آن مشو مانع مستحق را از آن مکن محروم

۳۴- فی الشهاب عن ابی هريرة. والصَّرْعَةُ: المرة من الصرع. يقال صرعه: طرحه على الأرض (المنجد)

۳۵- رواه النجاری والمسلم عن ابی هريرة (كشف الخفاء). القرض وجمعه القرض: المتاع وكل شیء

سوى الدراهم والدينار. والقرض وجمعه الأعراض: اسم لما لا دوام له. المتاع: حطام الدنيا. (المنجد)

۳۶- فی الشهاب عن عبدالرحمن بن عائد

۳۷- فی الشهاب عن انس

۳۸- وَمِنْ كَلَامِهِ: الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

سخن نرم گوی با سایل  
زانکه در روی اهل حاجت هست  
گرز مالش نمی دهی نفقه  
قول خوش از مقوله صدقه

۳۹- وَمِنْ كَلَامِهِ: كَثْرَةُ الضَّحِكِ تُمِيتُ الْقَلْبَ

خرم آنکس که بهر زنده دلی  
خنده کم کن که خنده بسیار  
زیر لب خنده را بمیراند  
صد دل زنده را بمیراند

۴۰- لَا يَشْبَعُ الْمُؤْمِنُ دُونَ جَارِهِ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

هر که در کشور مسلمانی  
کی پسندد که خود بخسد سیر  
باشد از نقد دین گرانمایه  
بنشیند گرسنه همسایه

\*\*\*

اربعینهای سالکان جامی  
نیست از فضل حق عجیب و غریب  
هست بهر وصول صدر قبول  
که بدین اربعین رسی بوصول

۳۸- فی الشهاب عن ابی هريرة

۳۹- فی الشهاب عن ابی هريرة

۴۰- فی الشهاب عن عمر

# اربعین جامی

نورالدین عبدالرحمن

کاتب

نعمان شہید  
سلطانی کئی

صحیح ترین چیزی که راویان بخاپسین و محمدان در ارس  
 یقین املا کنند و انایت که کلمات تا به جامع بزبان  
 معجزان چپ خود گذرانیده و از اناتای کلام کامل و خطا  
 مثال خود گردانید و بقتل و اوه نه بعد شد بکوشن و روانی بعبادت  
 صحبت رسانید و بنور علم و علم بوجیب علم از ظلمات ضلالتشان  
 رسانید . صلوات الله علیه و علی آله و اصحابه نقله علی بن حفص او اب  
 این جمله است از کلمات که سهولت فهم را بظن فارسی تر  
 کرده است آید امید واری که ما ظم تبسم ام و ز در شرط  
 منظای علی تمهید این حدیث یقین و اخلاص و فردا بسعاد  
 بشر ابراهیم الله یوم القیامه فیها علما و اصحاب و من الله



یومون الکوون العصمت والوون

لا یومن احدکم حتی یتحیب لاجزیه ما یحب لنفسه

کتاب الکتب کما یومن  
کتاب الکتب کما یومن

کتاب الکتب کما یومن  
کتاب الکتب کما یومن

من اعطی الله منعه الله واجب الله وبقض الله شد استیکل ایمانه

کتاب الکتب کما یومن  
کتاب الکتب کما یومن

کتاب الکتب کما یومن  
کتاب الکتب کما یومن

المسلم من سلم المسلمون من لسانه ویده

پیغمبر پس بود بقول پول کرجه عایبه بود و کر عالم

کہ برجا بود سپاہیے      باشد از قول و فعل و پیام

فضلان لا یحتمل ان یمنعوا الخلق

نہ کہ در کسے ہوتی ہر	بیک کسان خوبی بود در
نہ کہ در کسے ہوتی ہر	را ایسا کہ میں ہوئیے

شیب این دم و شب فیه فضلان بحر ص و طول ال

یک روی جو آقا آود	تیب رزمی بود
مردن جمع مال طول ال	مردان بنامی عمر سل

من لم یشکر الناس لم یشکر اللہ

توفیق زد پت مر کہ رسد      نہ میدان شکر کوئیے پای

کی شکرند اقیام کند - بارگ شکرند کی شکرند

من لایحیسم الناس لایحیسم

بمقامت حضرت زین العابدین	بمقامت حضرت زین العابدین
در معراج	در معراج

الذین ملعونون ما فیها ذکر الله تعالی

بمقامت حضرت زین العابدین	بمقامت حضرت زین العابدین
در معراج	در معراج

لعن عن الذین لعن عن الذرم

کرچیت شهاب رحمت حق شامل ذره ذره اعصام



با ازان دور بند وینار      با ازان دور بند ویرم

دمی علی الطهارت یوسع علیک الرزق

ای که از کتب خوب روزی بگذرد تر تو را یاد شود	تا عبادت باشد باز تو روزی ملک تو گشا بود
---	---

لا یلدع المؤمن من حصر واحد من

در کارهای بر چشم وفا مرگش با تو در خاک است	در آن که از دور باره و موی بگذرد از زنجیر پویان
---	--

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم العدة دين

مرد را حربه بگذرد در زمان      عیب باشد در زان کج آن

و صد و دوازده کرم قرض است      فزونی شد او ای آن کردن

المجا پس بالامانه صدق رسول الله

کونانی زین پس  
ز کونانی زینت است

کاش میسر تمام است  
ز سر جلیب است

تفال رسول الله پشتمن صدق

بویان ز در بصلت  
نیشین کلمه زینت است

مگر در شورت یقین است  
کجا باشد آن روی زمین

الپساح رابع صدق رسول الله

دست نیشین کما و شایش

پود و کربایت زینت خویش

سودت کنون پستایش زودا  
اوجا رسد ای پمایش

الدين شين الدين صدق رسول الله

پس بدین کنایه زین	پس بدین کنایه زین
یا کما به حال قریب بدین	یا کما به حال قریب بدین

القتلحة مال لا یفید صدق

صاحب زین از قلم	صاحب زین از قلم
بفوقین زین بدین	بفوقین زین بدین

قال رسول الله الصبحة تمنع الرزق

ای کس پسته کب روزی  
مسخیزی دیل فرودیت

بزرگوار سبیل شوم بسند  
از کونج ابلاغ رو دست

کفنی المرء امان حدیث کل ما یسمع صدق

مردان کس کتقم ز زبان سپردن	مردان کس کتقم ز زبان سپردن
-------------------------------	-------------------------------

قال رسول الله یسیر من وعظ میسر

تختی کار کا تاویز سیر و سستی کاران	تختی کار کا تاویز سیر و سستی کاران
---------------------------------------	---------------------------------------

اثم الیمسح المر صدق رسول الله

کی نیت کی شود ال کرم  
جن نیت کتدم سپردی

یز با خندان نیت آفت رنوبت جوان روی

فال رسول اللہ کف بالموت و غطا

نہاؤ کر یا کب نہ	بہ سیرت کسینا
نظر تو پس اکر عییا	بہ سیرت کسینا

خیر الناس انعم للناس

تیرا کس سے بود کج خلق	کیا کوی بہترین کر کر
پیش از خلق مع پیمان	کیم از قبل بہترین گمان

ان اللہ یب السهل الطل صدق

تا نہ ادوت کیرت باق ایک دل و کیربان کیرو باش

شاد طبع بگفت خاطر ریب / زخم خوی رگش دگر بر و پاش

قال رسول الله صلی الله علیه و سلم تماد و تجابوا

دوستی ز دوست دشمنی است دشمنی ز دشمنی دوستی است	بیا اینک در او پیوسته بیا هم زان پسیده او بر تو
---	--

أطلبوا حین غم یسان الوجوه

باز از غم روی تو که دشمنی ز دوستی تو که	باز از غم روی تو که دشمنی ز دوستی تو که
--	--

زرغب تزد و حب صدق رسول الله

دین دوست دوست را که / چهره دوستی پارا

زادگان دوام صحبت شان / شوق کما به طالت افزاید

طولی مین غله عیب به عن عیوب الناکس

عیب پیش آید و دل و	زهی شکیبایی پیش کرد
بهر عیب دیگران کرد	بسیار سست در آن کرد

الغنی الیا پس مافی ایدی الناکس

کوتاه است از کسب	کوتاه است از کسب
کوتاه است از کسب	کوتاه است از کسب

من احسن اسلام المرز ترکه مالا عینیة

تا شود در جهان علم و عمل / شایه دین تو جمال فخری

تند و کم کند بسیار  
مدول زنده را پسته

بجز تحت اقدام الاحمات

فکر شایسته ای در کبریا	سر زنده گشت کز تاج شرف
در تقه کلام داران است	سرمه ای از زردار دران است

البسلا، موکل المنطق صدق رسول الله

مردان بی سبب گمان	مردان بی سبب پند و رسا
بسیار زودت است	بسیار غیب بر خوار است

الظسر په هم مسموم من سجام امل پس صدق

دیدن زلف و خال محرم  
و اینکه و داتم پست



ز آنچه در غوغای غوغایت باز  
ز آنچه لایق نباشد برای

لیس الشداید البصر انما الشدید الذی یملک نفس الغضب

پهلوانیت که درستی  
پهلوانی که در غوغایت  
نفس را در آلودگی

لیس الغنی عن کثرة العرض انما العنی عن الغنی

کافی بود که پادشاه  
کافی از زجاج پادشاه  
این که در شرف و فضل جای  
از زرد مال نیاید

ومر کلا یرسلوا الترحم علیه واکله انحرام الوطن

حرم مردان که در همه وقت  
در حق خلق بجان باشد

در همه کارها حجتی با کند / تا ز مریب دورمان باشد

و من کلامه صلی الله علیه و آله العلم لا یحل و

اگر بنا بر او داشت / که ز اعظمش بود سلیم / پیغمبر از آن شایع / میهنی از آن مستقیم

و من کلامه الکلمه الطیبه صدقه صدق رسول الله

چنین کلامی پاییل / که ز ما نشناییم / ز آن کوزه در دایمان کجاست / قول خورشید از نور خفته

و من کلامه شتره الضحک تمییم القلب

خرم آنکس که ببرد و دلس / ز یارب خنده و پیران

مرغزبان بویکت زهر آلود / که رشت و کان آپ است

# بایستج المؤمن دون جار صدق رسول

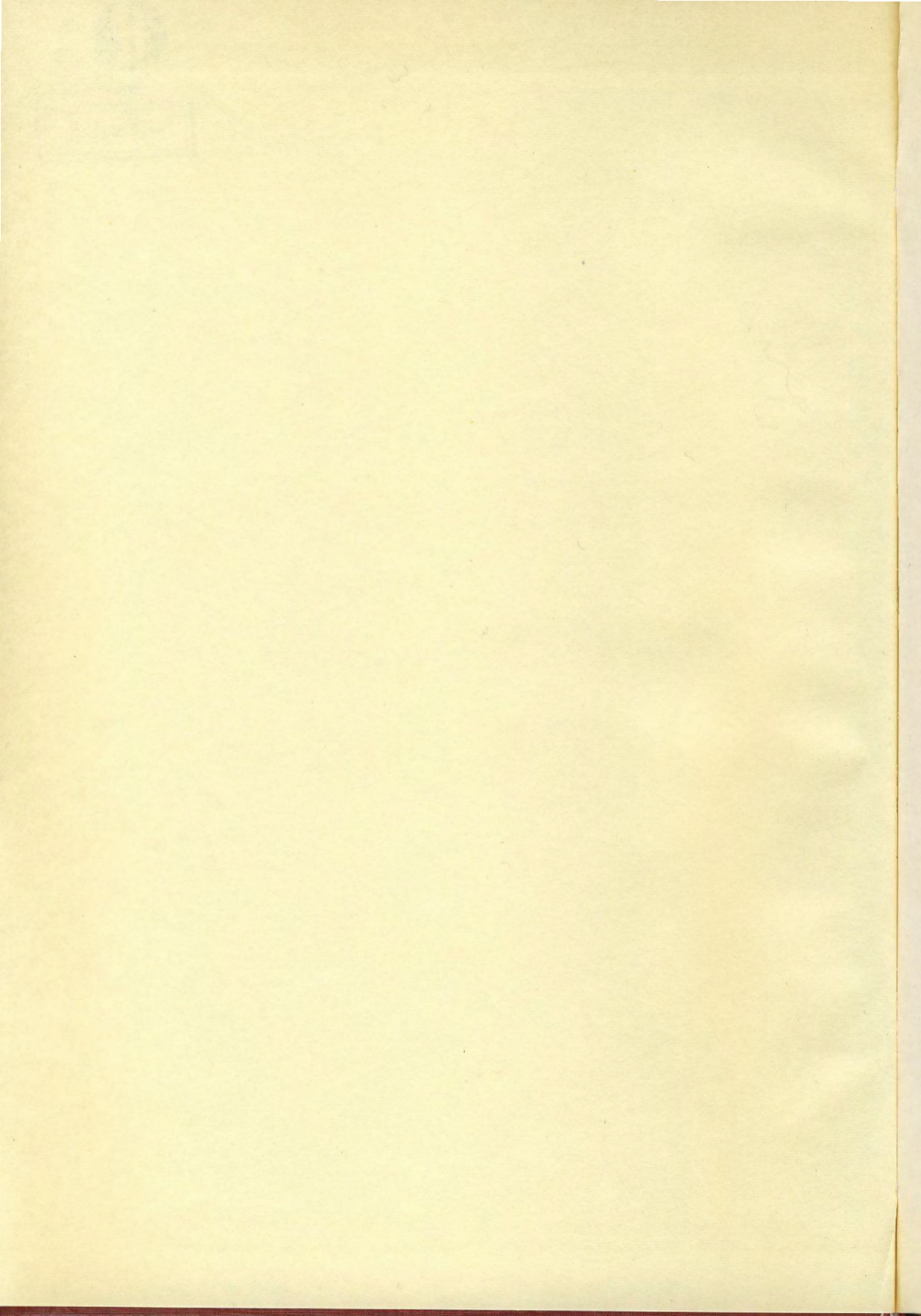
کاشند و زود پند	اشد از نقد وین کرانامه
-----------------	------------------------

ت بهر وصول صد قبول	ای پنهانهای پاکان چاه
که بدین اربعین بیست قبول	نت از فضل حج و عمره

مهر رمضان المبارک ۱۳۰۴	شعبان ۱۳۰۴
عقیر سلطان	عقیر سلطان
عقیر سلطان	عقیر سلطان
عقیر سلطان	عقیر سلطان

عقیر سلطان	عقیر سلطان
عقیر سلطان	عقیر سلطان
عقیر سلطان	عقیر سلطان
عقیر سلطان	عقیر سلطان







سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران